

مرکز بررسی‌ها و مطالعات راهبردی - نکته روز شماره ۲۸ - سیاست و سوم آذر ۹۳

ناسازگاری میان هدف گذاری تورم و سیاست اشتغال زایی

علی دینی ترکمانی

توضیح اجمالی:

در فضای اقتصاد کلان ایران تاکید زیادی بر هدف گذاری تورم می‌شود. در عین حال بر ضرورت کاهش بیکاری نیز تاکید می‌شود. هدف گذاری تورم رویکردی است که ریشه در مکتب پولی دارد و فرضش بر این است که در صورت کنترل تورم، مسیر انباشت سرمایه نیز فراهم تر می‌شود و در نهایت بیکاری کاهش می‌یابد. بنابراین، از این منظر، آنچه در اولویت اول باید قرار بگیرد کاهش تورم به میزان هدف گذاری شده از طریق سیاست پولی سفت و سخت پولی است.

نکات کلیدی:

۱. میان سیاست هدف گذاری تورم و سیاست‌های اشتغال زایی تفاوت اساسی وجود دارد. اولی ریشه در دیدگاه مکتب پول گرایی دارد و بر سیاست پولی انقباضی سفت و سخت با هدف کاهش در کسری بودجه و کنترل تورم تاکید دارد حال آنکه دومی ریشه در دیدگاه کینزی دارد و از کسری بودجه تا جایی که به رشد تولید و کاهش بیکاری کمک کند استقبال می‌کند. بنابراین، نمی‌توان همزمان مدافع هر دو دیدگاه بود. چنین رویه‌ای به معنای تناقض فکری است که برخی از اقتصاددانان دچار آن می‌شوند.
۲. سیاست هدف گذاری تورمی موجب بروز کمبود نقدینگی و از این محل تاثیر منفی بر فرایند انباشت سرمایه، تولید و اشتغال زایی می‌شود. بنابراین، در شرایط فعلی اقتصاد ایران ناسازگار با هدف کاهش بیکاری است.

۳. از سوی دیگر، سیاست انبساطی پولی و مالی معطوف به کاهش بیکاری موجب تورم می‌شود. اما آیا راهکاری برای کاهش میزان اثرگذاری سیاست پولی و مالی بر میزان تورم وجود دارد. به نظر می‌رسد پاسخ آن مثبت باشد و راه کار آن در ارتقای ظرفیت جذب سرمایه نهفته است. یعنی در صورت ارتقای بهره‌وری سرمایه و تبدیل سریع‌تر امکانات مالی و انسانی موجود به ظرفیت‌های تولیدی مولد، هم امکان کاهش بیکاری وجود دارد و هم امکان کنترل تورم.

